



شماره دادنامه: ۴۳۷ تاریخ صدور: ۷۹/۱۱/۵ کلاس پرونده ۷۹/۳۳۵/۴۵

مرجع رسیدگی: شعبه پنجم دادگاه نظامی یک تهران به ریاست آقای محمدرضا عقیقی

مرجع تعقیب: دادرسی نظامی تهران

شاکیان خصوصی: الف - اولیای دم آقای داریوش فروهر به اسمای ۱ - خانم پرستو ۲ - آقای آرش شهرت هردو فروهر (فرزندان مقتول) ب - اولیای دم خانم پروانه مجداسکندری به نامهای ۱ - خانم پرستو ۲ - آقای آرش شهرت هردو فروهر (فرزندان مقتول) ج - اولیای دم آقای محمدعلی مختاری نیشابوری به نامهای ۱ - خانم مریم حسین زاده تنباکونی (همسر مقتول) و قیمة فرزند محجور مقتول به نام سهراب مختاری نیشابوری ۲ - آقای سیاوش مختاری نیشابوری فرزند مقتول ۳ - اولیای دم آقای محمدجعفر پوینده به نامهای ۱ - خانم صدیقه صاحبی (همسر مقتول) ۲ - آقای میرزا حسن آخوندی اشکذری (پدر مقتول) ۳ - دوشیزه نازنین پوینده (فرزند مقتول)

متهمان: هیچکدام نفر به اسمای مندرج در بند الف رأی به شرح ذیل با وکالت آقایان منصور سلطانی راد و سید مرتضی علیزاده طباطبائی

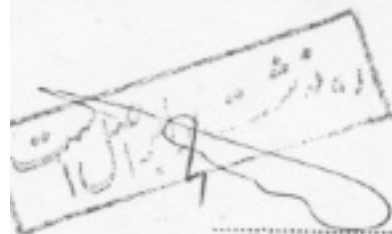
اتهامات: حسب مورد آمریت در چهار فقره قتل مقتولان صدر الذکر مباشرت در قتل و معاونت در آن به شرح مذکور در بند الف رأی

گرایش کار: پس از ارجاع پرونده به این دادگاه و ثبت به کلاس بالا و اجرای تشریفات قانونی و صدور قرار رفع نقایص و فرستادن پرونده به دادرسی نظامی تهران، با اعاده آن دادگاه طی دوازده جلسه مباشرت به دادرسی نموده و بعد از وصول لوائح آخرین دفاع از سوی آقایان وکلای مدافع متهمان در مهلت اعطائی به آنان، دادگاه در تاریخ ۷۹/۱۰/۲۹ ختم رسیدگی را اعلام نموده و با دو باره خوانی پرونده در فرجه قانونی اینک ضمن استعانت از خداوند بیجان و وجدان به شرح آتی رأی صادر می کند.

«رأی دادگاه»

الف - متهمان و اتهام هریک طبق کیفرخواست

بر اساس کیفرخواست فاقد شماره مورخ ۷۹/۴/۲۸ صادره از دادرسی نظامی تهران واصله مورخ ۷۹/۱۰/۲۲ آن متهمان این پرونده و اتهام هریک بدین شرح است: ۱ - آقای سید مصطفی کاظمی فرزند علی، بازداشت با قرار بازداشت موقت، متهم است به آمریت در قتل آقایان داریوش فروهر، محمدعلی مختاری نیشابوری، محمدجعفر پوینده و خانم پروانه مجداسکندری ۲ - آقای مهرداد عالیخانی فرزند علی اصغر، بازداشت با قرار بازداشت موقت، متهم است به آمریت در قتل مقتولان فوق الذکر ۳ - آقای رضایوشی فرزند محمدعلی، بازداشت با قرار بازداشت موقت، متهم است به مباشرت در قتل آقایان محمدعلی مختاری نیشابوری و محمدجعفر پوینده ۴ - آقای محمود جعفرزاده فرزند محمد، بازداشت با قرار بازداشت موقت، متهم است به مباشرت در قتل آقای داریوش فروهر ۵ - آقای علی (مصطفی) محسنی فرزند عباس، بازداشت با قرار بازداشت موقت، متهم است به مباشرت در قتل خانم پروانه مجداسکندری ۶ - آقای حمید رسولی



سرکاری



د نامه

سازمان قضائی نیروای مسلح

شعبه

دادگاه نظامی

تاریخ

ردیف

فرزند حسین، آزادبساتوشیق وثیفه، متهم است به معاونت در قتل آقای داریوش فروهر و خانم پروانه مجد اسکندری ۷- آقای مرتضی حقانی فرزند ابوالقاسم، آزادبامعرفی کفیل، متهم است به معاونت در قتل آقایان محمدعلی مختاری نیشابوری و محمدجعفر پوینده ۸- آقای محمد عزیزی فرزند اسماعیل، آزادبامعرفی کفیل، متهم است به معاونت در قتل آقای داریوش فروهر و خانم پروانه مجد اسکندری ۹- آقای ایرج آموزگار فرزند محمد حسین، آزادبامعرفی کفیل، متهم است به معاونت در قتل آقای داریوش فروهر و خانم پروانه مجد اسکندری و آقای ابوالفضل مسلمی فرزند عباس، آزادبامعرفی کفیل، متهم است به معاونت در قتل آقای داریوش فروهر و پروانه مجد اسکندری ۱۱- آقای محمد حسین اثنی عشر فرزند نظری علی، آزادبامعرفی کفیل، متهم است به معاونت در قتل آقای داریوش فروهر ۱۲- آقای علی صفائی پور فرزند نعمت اله، آزادبامعرفی کفیل، متهم است به معاونت در قتل خانم پروانه مجد اسکندری ۱۳- آقای علیرضا اکبریان فرزند احمد، آزادبامعرفی کفیل، متهم است به معاونت در قتل آقای داریوش فروهر و خانم پروانه مجد اسکندری ۱۴- آقای مرتضی فلاح فرزند ابراهیم، آزادبامعرفی کفیل، متهم است به معاونت در قتل آقای داریوش فروهر و خانم پروانه مجد اسکندری ۱۵- آقای مصطفی هاشمی فرزند اسماعیل، آزادبامعرفی کفیل، متهم است به معاونت در قتل آقای داریوش فروهر و خانم پروانه مجد اسکندری ۱۶- آقای علی ناظری فرزند خیر علی، آزادبامعرفی کفیل، متهم است به معاونت در قتل آقایان محمدعلی مختاری نیشابوری و محمدجعفر پوینده ۱۷- آقای اصغر سیاح فرزند موسی، آزادبامعرفی کفیل، متهم است به معاونت در قتل آقای داریوش فروهر و خانم پروانه مجد اسکندری و آقای خسرو وراثتی فرزند لطیف الله، آزادبامعرفی کفیل، متهم است به معاونت در قتل آقایان داریوش فروهر، محمدعلی مختاری نیشابوری، محمدجعفر پوینده و خانم پروانه مجد اسکندری (توضیح این که مشخصات بیشتر و جامع متهمان در کیفرخواست صادره منعکس است)
ب - کیفیت تشکیل پرونده و کشف اجساد مقتولان به نقل از کیفرخواست
۱- به حکایت پرونده متشکله در مجتمع قضائی امور قضائی تهران در تاریخ ۷۷/۹/۱ کلانتری ۱۰۹ اعلام کرده مأموران آن کلانتری با دریافت گزارش مبنی بر ورود سارق یاسارقان به ساختمان مسکونی پلاک ۲۲ واقع در خیابان هدایت، کوچه مرادپور در محل حضور یافته و حین ورود به طبقه اول ساختمان با جسد آقای داریوش فروهر مواجه شده و در بررسی بیشتر در طبقه فوقانی ساختمان با جسد خانم پروانه مجد اسکندری برخورد کرده اند. فرمانده کلانتری پس از اطلاع به اتفاق معاون انتظامی خود در صحنه حاضر گردیده و نسبت به هدایت نیروها برای حفظ صحنه و آثار احتمالی به جاماندن اقدام نموده و مراتب را به استحضار قضای محترم ویژه قتل رسانیده که ایشان نیز شخصاً در محل حادثه حاضر گردیده و ضمن ترسیم کروکی، مشاهدات خویش را مکتوب و دستوراتی برای شناسایی قاتلان و بررسی همه جانبه حادثه صادر نموده اند. مأموران اداره آگاهی کلانتری و اکیپ تشخیص هویت به بررسی حادثه و جمع آوری و ضبط آثار جرم و شناسایی عوامل آن مبادرت کرده اند. بررسی اولیه حکایت از کشف چند جسد احتمالی آشفته به سواد خفه کننده (بیپوش کننده) و آثار ضربات چاقو در قفسه سینه آقای داریوش فروهر و خانم پروانه مجد اسکندری داشته و پس از انتقال اجساد مقتولان طبق دستور مقام قضائی به پزشکی قانونی تهران، معاینات و آزمایشهای لازم به عمل آمده که

۷۷-۹-۱-۱۰۹-۲۸۵

در نتیجه به کاربردن مواد و داروی سمی را در قتل منتفی دانسته و علت مرگ آن دو را ضربات متعدد با جسم نوک تیز و برنده به قفسه سینه و شکم و پارگی قلب و ریه تشخیص و اعلام نموده است. مأموران انتظامی پیگیری کننده طی گزارش مبسوط مورخ ۷۷/۹/۸ با شرح اقدامات تحقیقی انجام شده، ثانوی خود را در شناسایی عوامل حادثه با ذکر دلایل آن اعلام کرده و طریق وصول به حقیقت و کشف موضوع را در بررسی ابعاد سیاسی آن دانسته اند.

۲- درمورد کشف جسد آقای محمدعلی مختاری نیشابوری حسب پرونده متشکله در دادگاه عمومی شهرری مأموران پاسگاه انتظامی امین آباد درتاریخ ۷۷/۹/۱۲ حین گشت رُتی درمحدوده کارخانه سپمان ری درکنارجاده منتهی به شهرک فیروزآباد باجسد مردی حدوداً ۴۰ساله که روی سینه برزسین قرارگرفته بوده برخورد نموده و باحفظ صحنه و گزارش موضوع به قاضی محترم کشیک دادگستری شهرستان ری و اخذ دستورونمایدگی قضائی، کروکی محل را ترسیم نموده و بایررسی های اولیه ازظاهرجسدچون مدرک نشان هندهٔ هویت مقتول به دست نیاورده اند، جسدرا به عنوان مجهول الهویه به پزشکی قانونی فرستاده اند. تلاش مأموران انتظامی و پزشکی قانونی برای تشخیص هویت جسد نتیجه نداشته تااینکه درتاریخ ۷۷/۹/۱۸ آقای سیاوش مختاری نیشابوری فرزندمقتول که اذنتاریخ خروج پدرخودبیای خویدلزمنزل (۷۷/۹/۱۲) ساعات (۱۷) تا تاریخ یادشده از وی بی اطلاع و در جستجوی پدر بوده، جسد اودر پزشکی قانونی شناسائی کرده است. ضمناً پزشکی قانونی تهران باانجام معاینات و آزمایشهای لازم وکالبدشکافی، نتیجه آزمایشات سم شناسی را منفی اعلام نموده و علت مرگ مقتول را فشاربه عناصررحیائی گردن توسط جسم سخت ورشته مانند (خفه کردگی) و عوارض ناشی ارآن دانسته است.

۲- در مورد کشف جسد آقای محمدجعفر پوینده نیز پرونده مشابهی در دادگاه عمومی شهریار تشکیل شده که حسب محتویات آن مأموران پاسگاه انتظامی دهمویر شهریار در تاریخ ۷۷/۹/۱۹ مقارن ساعت ۱۵:۴۵ با تماس تلفنی مردی ناشناس به وجود جسدی در زیر پل بلیامکراما هن آگاهی یافته و به محل اعزام شده و با جسد مردی حدوداً ۳۲ ساله برخورد کرده اند و بعد از حفظ صحنه و گزارش به مقام قضایی با اخذ نمایندگی قضائی از قاضی محترم شعبه ۶ دادگاه عمومی شهریار، معاینه اولیه از ظاهر جسد انجام و بابت مشاهدات خود و ترسیم کروکی چون مدرک شناسائی هویت مقتول را پیدا نکرده اند، جسد را به عنوان مجهول الهویه به سردخانه بهشت رضوان شهرستان شهریار منتقل نموده اند. در تاریخ ۷۷/۹/۲۱ قاضی محترم دادگاه به اتفاق رئیس پاسگاه انتظامی و پزشک قانونی در محل نگهداری جسد حاضر شده و با معاینه ظاهری آن مشاهدات خویش را مرقوم و جسد را برای کالبدشکافی و معاینات و آزمایشهای لازم و سم شناسی به سازمان پزشکی قانونی تهران اعزام نموده اند. در همان تاریخ ۷۷/۹/۲۱ روزنامه ایران با چاپ عکس مردی با هویت آقای محمدجعفر پوینده ۵۰ ساله اعلام کرده وی از تاریخ ۷۷/۹/۱۸ مفقود گردیده است که مأموران با احراز تعلق عکس چاپ شده به جسد مراتب را به خانواده او خبر داده و خانم صدیقه صاحبی همسر مقتول پس از حضور در پزشکی قانونی جسد همسر خویش را شناسائی کرده است. علت مرگ آقای محمدجعفر پوینده نیز پس از انجام معاینات و آزمایشهای لازم و کالبدشکافی از سوی پزشکان قانونی تهران فشار به عناصر حیاتی کردن توسط جسم سخت رشته مانند (خفه کردگی) و عوارض ناشی از آن تشخیص و اعلام شده است.



باسم تعالی

داد نامه



سازمان قضائی نیروهای مسلح

دادگاه نظامی

شعبه

صفحه:

تاریخ

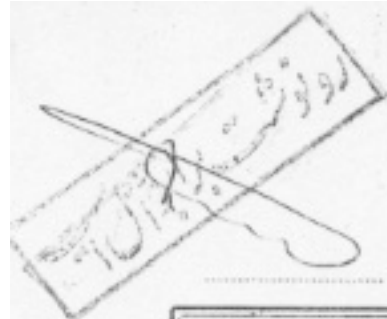
شماره:

۴ - پرونده های متشکله در مراجع قضائی سابق الذکر پس از مکاتباتی که بین رئیس محترم وقت دادسرای نظامی تهران و رئیس محترم سابق سازمان قضائی نیروهای مسلح بار رئیس محترم پیشین قوه قضائیه و رئیس محترم وقت دادگستری کل استان تهران صورت گرفته و بلاصورت قرار عدم صلاحیت از جانب دادگاههای عمومی مربوط ، به شایستگی دادسرای نظامی تهران به دادسرای مزبور واصل گردیده و پس از یک سلسله اقدامات به شرح منعکس در پرونده های تجمیع شده ، در نهایت به صدور کیفرخواست مورخ ۷۹/۴/۲۸ انجامیده و در تاریخ ۷۹/۶/۸ توسط معاون محترم دادستان نظامی تهران به دادگاه ارسال و در تاریخ ۷۹/۶/۹ حسب ارجاع معاون محترم سازمان قضائی نیروهای مسلح برای رسیدگی به این شعبه واصل گردیده است.

ج - جریان پرونده بعد از وصول به این دادگاه

پس از وصول پرونده درشش جلد و مشتمل بر ۱۳۵۷ صفحه به این شعبه ، دادگاه در همان تاریخ (۷۹/۶/۹) دستورات لازم برای اقدامات قانونی به دفتر محکمه صادر نموده و توجها به ذیل ماده ۱۱ قانون دادرسی نیروهای مسلح مصوب ۱۳۶۴ ناظر به قانون آیین دادرسی کیفری در اجرای ماده ۹ قانون تشکیل دادگاههای جنائی مصوب ۱۳۳۷ اخطار لازم به متهمان پرونده برای معرفی وکیل مدافع در فرجه قانونی به عمل آمده و پس از معرفی وکیل تعیینی از جانب اغلب آنها (که به تناوب انجام شده) و انتخاب وکیل تسخیری از سوی دادگاه برای متهمانی که میادرت به معرفی وکیل تعیینی نکرده بودند (که البته با معرفی بعدی وکیل تعیینی از جانب متهمان مزبور - جزو متهم ردیف دوم - سمت وکیل تسخیری منتفی گردیده) طبق مفاد ماده ۱۲ قانون اخیر الذکر اقدام و به وکلای اولیاء دم مقتولان - که بعضاً مانند خانم نصرت الزمان پورابیان مادر خانم پروانه مجد اسکندری سه نفر از وکلای دادگستری رایبه عنوان وکیل خویش به دادگاه معرفی نموده و برخی هم دو وکیل و سرانجام بعضی از اولیاء دم نیز یک وکیل داشته اند و هیچ یک از آنان بدون وکیل نبوده اند - و به وکلای متهمان ابلاغ شده که در مهلت قانونی با مطالعه پرونده هرایرادی به نظرشان میرسد اعلام کنند و پس از انقضای مهلت ده روزه وکلای مدافع اولیاء دم مقتولان و وصول تلویح اعتراضیه آنان (که هم به صلاحیت دادگاههای مربوطه و هم نقایص و ایراد تحقیقات اعلام کرده بودند) و همچنین پس از انقضای مهلت تعدید شده (جمعاً بیست روزه) وکلای مدافع متهمان که فقط از جانب وکیل تعیینی متهم ردیف اول لایحه ای دایر به ایراد به صلاحیت دادگاه و وجود برخی نقایص ، واصل گردیده ؛ دادگاه در اجرای ماده ۱۴ قانون مورد اشاره بالا در تاریخ دوشنبه ۷۹/۸/۹ با تشکیل جلسه مقدساتی اداری در وقت فوق العاده ایرادهای مندرج در تلویح واصله از وکلای طرفین را بررسی و بشرح دادنامه شماره ۲۹۵ - ۷۹/۸/۹ - با ایراد عدم صلاحیت دادگاه (به شرح استدلالی که در آن دادنامه منعکس است) به استثنای ماده ۲۰۱ قانون آیین دادرسی کیفری ناظر به ماده ۲۶ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ (جایگزین ماده ۴۶ قانون منسوخ آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸) قرار صلاحیت و شایستگی خویش را برای رسیدگی به ماهیت اتهامات تمامی متهمان صادر نموده و نسبت به برخی نقایص تحقیقاتی که رأساً به نظر دادگاه رسیده با در تلویح اعتراضیه واصله از جانب وکلای طرفین مطرح گردیده و به تشخیص دادگاه مؤثر و وارد بوده (و از جمله لزوم تعیین و بررسی درباره صحت اظهارات و ادعای متهمان ردیف اول و دوم که صدور دستور قتلها را به وزیر سابق اطلاعات نسبت داده اند و اظهار نظر مقتضی قضائی در باره این اتهام)

۷۹-۸-۹-۲۹۵



باسم تعالی

داد نامه



سازمان قضائی نیروهای مسلح

دادگاه نظامی شعبه

شماره: تاریخ:

صفحه:

قرار رفع نقایص و تکمیل تحقیقات صادر و نقایص دیگر مورد ایراد وکلای طرفین را (که یا خارج از اتهامات مقیده در کیفرخواست بوده و دادگاه طبق نص صریح ماده ۱ از مواد الحاقی به قانون آیین دادرسی کیفری نسبت به آنها به تکلیف رسیدگی داشته و نه چنین حقی را و یا اگر مرتبط با جوار فقره قتل موضوع کیفرخواست بوده باز چنان درجه ای از اهمیت برخوردار نبوده که در تشخیص و رأی دادگاه مؤثر باشد) مردود اعلام کرده است و پرونده در هفت جلد مشتمل بر ۱۴۹۱ برگ برای اجرای قرار رفع نقایص به دادرسی نظامی تهران فرستاده شده و آقای بازپرس محترم آن دادسرا (که دارای ابلاغ خاص برای این پرونده بوده) تاجایی که توان داشته در اجرای تعقیب این دادگاه اقدام و از جمله نسبت به اتهام حجت الاسلام والمسلمین آقای قربانعلی دری نجف آبادی و نیز سابق اطلاعات مبنی بر صدور دستور قتل های موضوع کیفرخواست ، به لحاظ عدم کفایت دلیل در تاریخ ۷۹/۸/۲۴ قرار منع تعقیب صادر نموده که چون مورد موافقت آقای معاون محترم دادستان نظامی تهران (در اظهار نظر به همان تاریخ) قرار نگرفته پرونده در تاریخ ۷۹/۸/۲۵ از سوی آقای بازپرس نزد دادستان محترم نظامی تهران فرستاده و بابت نوشت مورخ ۷۹/۸/۲۶ یکی دیگر از معاونان محترم ایشان نزد معاونت محترم ارجاع این سازمان ارسال شده و بالارجاع آن در تاریخ ۷۹/۸/۲۸ برای رسیدگی به شعبه سوم دادگاه نظامی یک تهران (به قائم مقامی دادگاه نظامی دو) ، دادگاه مرجوع الیه با تحقیق از آقای قربانعلی دری نجف آبادی (که مشارالیه به قید سوگند صدور هر گونه دستور قتل را انکار و ادعای متهمان ردیف ۱ و ۲ را تکذیب نموده) و نیز تحقیق از حجت الاسلام والمسلمین آقای نیازی رئیس محترم سازمان قضائی نیروهای مسلح (که ایشان نیز ادعای متهم ردیف ۲ مبنی بر نقل قول از آقای دری نجف آبادی توسط خود در زمان تصدی ریاست دادرسی نظامی تهران را تکذیب کرده اند) طی دادنامه شماره ۸۳۶ مورخ ۷۹/۸/۲۸ با تأیید نظر آقای بازپرس دایر به منع تعقیب آقای دری نجف آبادی حل اختلاف و پرونده را اعاده نموده اند که در تاریخ ۷۹/۹/۱ پرونده در هشت جلد مشتمل بر ۱۵۸۱ برگ به این دادگاه برگردانیده شده و در تاریخ ۷۹/۹/۲ با تشکیل جلد نهم دستور تعیین وقت دادرسی و احضار متهمان و دعوت اولیای دم مقتولان و وکلای طرفین و معاون محترم دادستان صادر و مطابق آن اقدام و وقت دادرسی به روز شنبه ۷۹/۹/۳ ساعت ۸ صبح معین گردیده است پیش از حلول وقت رسیدگی کلیه اولیای دم مقتولان طی لایحه ای که در تاریخ چهارشنبه ۷۹/۹/۲۰ به این دادگاه واصل شده ، به طور دسته جمعی و هماهنگ تمامی وکلای خود را (که تا روز قبل از وصول لایحه مزبور نیز با حضور در دفتر محکمه پرونده را برای مطالعه و تهیه یادداشت در اختیار داشته اند) عزل و اعلام کرده اند چون نقایص مورد نظر آنها رفع نشده اند از شرکت در جلسات دادرسی خودداری خواهند کرد. این دادگاه با ملاحظه این که شکایت خانم پرستو فروهر (در برگ ۷۹) و شکایت آقای آرش فروهر و تقاضای صریح قصاص قاتلان والدین خود و اشد مجازات درباره سایرین (در برگ ۱۷۵ پرونده) و نیز شکایت و تقاضای خانم نصرت الزمان داراییان مبنی بر مجازات قاتلان دخترش پروانه مجد اسکندری (در برگ ۱۸ و ۶۹۹ پرونده) و شکایت آقای سیاوش مختاری و تقاضای صریح وی بر قصاص مباشران و اشد مجازات برای آمران قتل پدرش (در برگ ۷۹ و ۴۸۲ و ۴۸۳ و ۵۲۳ پرونده) و همچنین شکایت خانم مریم حسین زاده قنبرکویی (همسر آقای محمد علی مختاری نیشابوری) به قیومت از سوی آقای سهراب مختاری نیشابوری فرزند محجور مقتول (و تقاضای صریح قصاص برای عاملان قتل شوهرش و اشد مجازات برای آمران و سایر متهمان) (در برگ ۲۹۰ و ۵۲۴ پرونده) و شکایت دوشنیزه نازنین پوینده

روزنامه
ایران



سازمان قضائی نیروهای مسلح

باسم تعالی
داد نامه



شماره: تاریخ: دادگاه نظامی شعبه: صفحه:

و تقاضای صریح قصاص کلیه دست اندرکاران قتل پدرش (دربزرگ ۵۶۹ پرونده) و شکایت و تقاضای صریح آقای میرزا حسن آخوندی اشکتری (پدر آقای محمدجعفر پوینده که محمدجعفر بعداً نام خانوادگی خود را تغییر داده) یعنی بر قصاص قاتلان غرضش (دربزرگ ۵۶۹ پرونده) و سوانجام شکایت خانم صدیقه صاحبی همسر آقای محمدجعفر پوینده که (هرچند طبق ذیل ماده ۲۶۱ قانون مجازات اسلامی در قصاص و عفو و اجرا اختیاری نداشته) صریحاً تقاضای قصاص قاتلان شوهر خویش را نموده (در برگ ۵۴۵ و ۵۴۶ و ۵۶۸ پرونده) موجود بوده است و عدم شرکت آنان در جلسه دادرسی به منزله گذشت از شکایت مطروحه قبلی نسبت به بُعد حق الناس موضوع تلقی نمی گردد و با استصحاب بقای آنها بر شکایات پیشین، عدم حضورشان را در جلسه رسیدگی مورخ ۷۹/۱۰/۲ مانع یا موجب تأخیر دادرسی تشخیص نداده و در وقت مقرر با انعقاد جلسه رسیدگی، چون آقای حبیب اعرابی وکیل تسخیری متهم ردیف دو با ابلاغ قانونی اخطاریه (و اعلام احتیاطی تلفنی توسط آقای مدیر دفتر این محکمه به وکیل همکار دفتر وکالت او) بدون اعلام جهت یا جهات رد قانونی و نیز بدون اعلام عذر موجه احتمالی در جلسه حاضر نگردیده بود برای جلوگیری از اطاله رسیدگی فی المجلس آقای منصور سلطانی داد وکیل تعیینی متهم ردیف اول را به سمع وکیل تسخیری متهم ردیف دوم نیز انتخاب و نصب نمود و پس از استماع نظر و استدلال معاون محترم دادستان نظامی تهران، چون علنی بودن دادرسی را موجب اختلال در امنیت و نظم عمومی تشخیص داد، مستنداً به بند ۲ ماده ۲۲۷ قانون آیین دادرسی کیفری و اصل ۱۶۵ قانون اساسی قرار دادرسی غیر علنی را صادر و وارد رسیدگی به منوال مقرر در ماده ۲۴ به بعد قانون تشکیل دادگاههای جنایی گردید و طی دوازده جلسه در تاریخهای منعکس در پرونده و با تنظیم جمعاً ۲۸ برگ صورتجلسات دادرسی و مصرف بیش از ۴۵ ساعت برای محاکمه و با وصول ۱۱۴ برگ لوایح دفاعیه و آخرین دفاع از سوی برخی متهمان و وکلای مدافع آنان در تاریخ ۷۹/۱۰/۲۹ ختم رسیدگی را اعلام نمود و اینک در فرجه قانونی رأی خود را انشاء می کند.

د- معلومات مبنای رأی دادگاه

۱- حفظ نظام جمهوری اسلامی ایران از اوجب واجبات بوده و این امر جز با حفظ نظم در قضای شؤون جامعه امکانپذیر نیست و تنها طریق حفظ نظم که به عنوان مقدمه واجب، فرض و لازم تلقی می شود رعایت و اجرای همه جانبه قانون از سوی آحاد مردم و مسئولان نظام است اعم از قانون اساسی که قانون مادر و به مثابه میثاق ملی است و قوانین عادی و موضوعه مملکتی (که اصل ۴ قانون اساسی بر لزوم عدم مغایرت آنها با موازین شرع مقدس تصریح دارد). بنابراین هر گونه اقدام مغایر قانون، نتیجه اختلال در نظم لازم در جامعه و اختلال در خالصت و خلوص است و در نتیجه موجب هرج و مرج و تضعیف و وهن نظام کشور می گردد.

۲- قتل عمدی نفس محترمه از مصداق اعلای جنایات و خلاف بین قانون و شرع است و از معاصی کبیره تلقی شده و خداوند متعال اولیای دم را سلطان بر استیفای قصاص از قاتل قرار داده و به علاوه کفاره جمع نیز بر ذمه قاتل مستقر می گردد. بدیهی است قتلهای دفاعی (در شرایط تحقق دفاع مشروع) و قتلهای کسانی که طبق حکم دادگاه صلاحیتدار قانونی (با رعایت کلیه حقوق از جمله حق داشتن وکیل مدافع و

۷۹-۱۰-۲۹

باسم تعالی

داد نامه



سازمان قضائی نیروی مسلح

شعبه

دادگاه نظامی

شماره: تاریخ:

صفحه: ۱



اعمال طرق عادی و فوق العاده اعتراض در دیوان عالی کشور و نیز ممنوعیت صدور حکم غیابی در صورتی که موضوع اتهام از حقوق الله باشد (محکوم به قصاص نفس یا اعدام کردند از قاعده کلی مزبور مستثنی است).

۲- چون جمهوری اسلامی ایران دارای تشکیلات قضایی است و قاضی (حتی اگر مجتهد مطلق باشد) برای اشتغال به امر قضا باید از جانب رئیس محترم قوم قضائیه به نیابت از سوی ولی معظم فقید در پستی از پستهای قضایی نصب گردد و در چار چوب قوانین قضاوت کند، تنها مقامی که حق دارد حکم به کشتن کسی (که مرتکب جرم موجب قصاص نفس یا اعدام شده باشد) صادر کند قاضی دادگاه صلاحیتدار است که پس از قطعیت حکم، رسماً به مرحله اجرا گذاشته می شود و چیز قاضی صالح در دادگاه صلاحیتدار هیچ مقامی حتی چنانچه واجد درجه اجتهاد باشد نمی تواند حکم به قتل بدهد زیرا بدیهی است که احراز یا عدم احراز شرایط قانونی و شرعی بزه موجب قتل، از امور موضوعی و منوط به تشخیص قضایی و مستلزم لمس ماهیت قضیه و استماع و بررسی مدافعات متهم با رعایت جمیع شرایط و مقررات است و مجتهد و مفتی در مقام فتوی شان تشخیص موضوع را ندارد.

۴- بنابر مراتب بالا آنچه کتابهای فقهی مبنی بر عدم احتیاج اجرای برخی از حدود به حکم حاکم شرع و وجوب آن برشمرده آمده است قطعاً از زمان و مکانی که حکومت اسلامی سبطه و بسط ید دارد، منصرف بوده و در جایی که حکومت بر پایه موازین اسلامی استوار و مستقر است، اجرای هر حدی از حدود (همانند اجرای هر مجازات دیگری) نیاز به سیر مراحل قانونی دارد و در همین راستا ملاحظه می شود که مقام معظم رهبری مدظله العالی در یکی از سخنرانیهای خویش با اشاره به موضوعی که در یک نشریه دانشجویی (به نام موج) رخ داده بود و یکی از سرداران نیروی انتظامی مطلبی مبنی بر اجرای حد شرعی اظهار کرده بود، صریحاً تشخیص و احراز موضوع و تعیین مجازات را از وظایف دستگاه قضایی اعلام فرمودند. اهمیت حفظ نظم در جامعه و احترام از حیثیت غیر قانونی در نظر معظم له تا آن جا است که حتی گزارشهای از منکر را نیز که از واجبات عمومی و همگانی مسلمانان است و مراتب و درجاتی دارد - به نفع زیانی محدود نموده اند و مراتب بالاتر را به دستگاههای مسئول قانونی مربوط دانسته اند. بدیهی است مبنای این دیدگاه چیزی غیر از حفظ نظم و جلوگیری از بروز تصفیه حسابهای شخصی و خصوصی به بهانه نفع از منکر نیست.

۵- بنیانگذار فقید جمهوری اسلامی ایران به شرح مسأله ۲۹ صفحه ۲۲۹ کتاب «موازین قضایی از دیدگاه امام خمینی (ره)» در پاسخ این استفتاء که: «آیا غیر مسلمانان که در مملکت ایران زندگی می نمایند از اهل کتاب یا غیر آنها اگر مرتکب جرمی بشوند که حد یا تعزیر دارند مانند سرقت و زنا یا جاسوسی یا افسار یا مجاریه یا قیام علیه حکومت و همانند اینها، آیا مانند مسلمانان باید مجازات شوند؟...» چنین فتوی داده اند: «کفار مزبور در پناه اسلام هستند و احکام اسلام مانند مسلمانهای دیگر در باره آنها جاری است و محقون الدم بوده و مالشان محترم است» با این وصف وقتی حضرت امام راحل (قدس سره) غیر مسلمانان مقیم این کشور را محقون الدم دانسته اند، به طریق اولی احترام خون مسلمانان کشورمان جایگاه ویژه ای



باسم تعالی

داد نامه

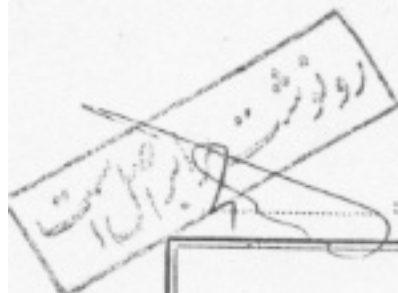


سازمان قضائی نیروی مسلح

دادگاه نظامی

شماره: تاریخ:

صفحه:



دارد و خون مسلمان باطل نمی شود و هدر نمی رود مگر به حکم قاضی صالح در دادگاه صلاحیتدار که در بند ۲ بالا گذشت .

۶- با توجه به این که حکم اسلام از حیث ترتب آثار شرعی بر ظاهر افراد نظارت دارد و هر چهار مقتول این پرونده به حسب ظاهر حال آنان مسلمان بوده و خوششان احترام داشته ، تردیدی نیست که اگر کسی مدعی خلاف این ظاهر باشد باید آن را طبق موازین اثبات کند و هیچ حکمی از دادگاه صلاحیتدار قانونی مبنی بر محکومیت آنان به اعدام یا قید جرمی که مرتکب شده اند ارایه نماید که در ما نحن فیه مورد هیچ یک از مقتولان چنین اموری اثبات یا ارایه نگردیده است .

۷- قتل مقتولان موضوع کیفر خواست نه تنها از سوی مقام معظم رهبری مدظله العالی و رئیس جمهوری محترم و سایر مسئولان بلند پایه کشورمان ، که حتی از سوی آحاد مردم محکوم شده و غیر از ظلمی که در حق اولیای دم آنها به عمل آمده ، موجبات خدشه بر حیثیت نظام و دستگاه امنیتی کشور نیز فراهم گردیده زیرا تحمل مقتولان با هر فکر و عقیده و عملکردی نشانه سعه صدر جمهوری اسلامی ایران تلقی می شده است و اگر دشمن هم شمرده شوند به قول مقام معظم رهبری دشمن بی خطر بوده اند مضافاً به این که هر دشمنی را بدون احراز جرم موجب مجازات قتل در محکمه صلاحیتدار با رعایت حقوق مسلم قانونی او نمی توان از بین برد .

در موارد استدلال رأی

با التفات به مبانی و معلومات بالا و با عنایت به شکایات مطروحه از سوی اولیای دم مقتولان و گزارشهای مراجع انتظامی محل کشف اجساد و تحقیقات دادگاههای عمومی تهران و شهری و شهریار و نیز تحقیقات دادرسی نظامی تهران و با ملاحظه گزارشهای معاینه اجساد مقتولان توسط پزشکان قانونی (سه نفر) در سازمان پزشکی قانونی کشور و تعیین علت مرگ هر یک به شرح اوراق ۸۱ تا ۸۵ و ۳۰۰ و ۳۰۱ و ۵۰۸ و ۵۰۹ و ۵۱۰ و ۷۳۱ و ۷۳۴ و ۷۳۶ پرونده و با لحاظ اعترافات و اقرار و اظهارات متهمان مشروحه ذیل در مرحله تحقیق مقدماتی در دادرسی نظامی تهران و با مقارنه و تطبیق اقاریر و اظهارات متهمان زیر در جلسات دادرسی این دادگاه که به برخی از محورهای آن اشاره می شود :

۱- متهم ردیف اول در جلسه سوم دادرسی مورخ ۷۹/۱۰/۱۰ صریحاً اظهار نموده : « من جایگاه قانونی برای آمریت داشته ام » (برگ ۱۶۹۷) بنابر این آنچه بعداً در لایحه آخرین دفاع مورخ ۷۹/۱۰/۲۰ خود نوشته به این عبارت : « من از جایگاهی برخوردار نبودم که حکم حذف بدهم » (برگ ۱۸۸۰) انکار بعد از اقرار و نامسموع است .

۲- وی در برگ ۹۷۳ ذیل قرار ابقای قرار بازداشت موضوع خود نوشته : « آمریت در من خلاصه نمی شود همان طور که توضیح داده ام به سعید اسلامی بر می گردد » بنابر این ادعای او در لایحه آخرین دفاع که نوشته : « آمریت تنها در آقای دری وجود دارد و خود را تنها در حد معاونت در این حذفها می دانم » (برگ ۱۸۸۱) علیه فردی که قرار منع تعقیب او (به شرحی که قبلاً اشاره شد) در دادگاه نظامی یک تهران (شعبه سوم) قطعی شده غیر مسموع و غیر قابل پذیرش است .



ما سمد تعالیٰ

داد نامه

سازمان قضائی نیروهای مسلح

دادگاہ نظامی

شعاره: قلوب

تبعہ

صفت

۳- مشارالیه در جلسه سوم دادرسی نزد این دادگاه اقرار صریح دارد که: «من به صادق گفتم زنش (منظور همسر آقای فروهر است) را بزیید البته لیستی که اسامی چندین نفر در آن بود در اختیار آقای صادق بود ولی این من بودم که تصمیم می گرفتم و به او می گفتم کدامیک را حذف کنید و صادق دستور مرا اجرا می کرد» (برگ ۱۶۹۹) و نیز ادعا و اقرار کرده که: «با اصرار آقای دری [این ادعایی است که به علت فقد دلیل کافی و صدور قرار منع تعقیب آقای دری ثابت نشده] او علی رغم موضع رییس جمهوری دستور ادامه حذف فیزیکی [منظور بعد از قتل آقای فروهر و همسرش بوده] را به آقای صادق مهدوی دادم و مختاری وپوینده را من معین کردم که مبادرت به حذف آنها بکنند» (برگ ۱۷۰۶) بنابراین آنچه در لایحه آخرین دفاع خود نوشته که: «آنچه در خصوص حذف فیزیکی آقای فروهر و خانم پروانه اسکندری و آقای محمد مختاری و محمد جعفر وپوینده بوده براساس دستور آقای دری و اولویت بندی آقا صادق مورد موافقت من قرار گرفته است» (برگ ۱۸۷۹) و نیز اظهار بی اطلاعی از وجود لیست اسامی ۴۰ تا ۴۵ نفره در اختیار آقای صادق مهدوی - متهم ردیف دوم - (برگ ۱۸۷۸) خلاف واقع است. ۴- اقرار متهم موصوف در جلسه سوم دادرسی این دادگاه این که آقای صادق مهدوی از جایگاه تشکیلاتی او یعنی قایم مقام معاونت امنیت خبر داشته، نشانگر کذب اظهار قبلی او در جلسه دوم دادرسی است که گفته: «تلازمان دستگیری کسی نمی دانست که من قایم مقام امنیت هستم» (برگ ۱۶۸۴) - ۵- باوصف آن که متهم مورد بحث به شرح برگ ۱۷۰۵ نزد این دادگاه اقرار نموده که از موضع گیری مورخ ۷۷/۹/۵ رئیس جمهوری محترم اسلامی ایران در محکومیت قتلها آگاهی داشته، این که طبق اقرار وی در برگ ۱۷۰۶ در تاریخ ۷۷/۹/۹ (چهار روز بعد از اعلام موضع ریاست محترم جمهوری) دستور ادامه حذف فیزیکی را با تعیین آقایان مختاری وپوینده به متهم ردیف دوم داده است، حکایت از عدم طرفداری وی از رییس جمهوری محترم دارد و نیز با وصف آن که مقام معظم رهبری مد ظله العالی در سخنرانی مورخ ۷۷/۹/۲۲ صریحاً قتلهای موضوع این پرونده را محکوم فرموده در حالی که طبق مستفاد از مندرجات برگ ۱۷۲۴ متهمان ردیف ۱ و ۲ حتی تا روز پنجشنبه ۷۷/۹/۲۶ (یعنی سه روز پس از اعلام محکومیت قتلها از سوی مقام معظم رهبری) در تکاپوی ترور برخی اعضای کانون نویسندگان در استانهای گیلان و فارس بوده اند، نشانگر عدم التزام عملی متهمان به تبعیت از ولی فقیه است. ۶- متهم ردیف اول در برگ ۹۶۷۹ نزد این دادگاه اقرار نموده که [در بحث قتلهای موضوع کیفرخواست] به قول وی حنظل [اصلاً مسأله سلسله مراتب مطرح نیست] و متهم ردیف دوم نیز در برگ ۱۷۲۹ و ۱۷۴۰ در جلسه دادرسی این محکمه معترف است که نه کار اطلاعاتی و نه موضوع حذف چهار مقتول پرونده از نظر تشکیلاتی به او (که رییس اداره چپ نو بوده) ربطی نداشته است و همین اقرار به علاوه بی اطلاعی مدیر کل چپ (که مقام مافوق او بوده) و نیز بی اطلاعی معاون وقت امنیت و گذاشتن قرار ملاقاتها با مسؤول اداره عملیات امنیت در خارج از محل کار و برخی قراین دیگر کافی برای اثبات غیر قانونی و غیر تشکیلاتی بودن انجام قتلهای موضوع کیفرخواست است، مؤیّد آن که متهم ردیف دوم در برگ ۱۷۴۳ در پاسخ سوال دادگاه اقرار دارد که در اساسنامه وزارت اطلاعات و قوانین مربوطه



باسم تعالی

داد نامه

شماره: تاریخ:

دادگاه نظامی شعبه

صفحه:

سازمان قضائی نیروی مسلح



ماده ای راجع به این که حذف فیزیکی افراد در زمره وظایف وزارت باشد ندیده است. ۷- متهم ردیف ۲ در برگ ۱۷۴۵ اقرار نموده که موسوی به متهم ردیف ۸ دستور داده هر آنچه وی (مهرنادر عالیخانی) به آنها اعلام می کند انجام بدهند. بدیهی است محسّن «اسلام می کند» پیروی جز دستور نمی دهد نیست. ۸- اقرار متهم موصوف در برگ ۱۷۲۵ پرونده مبنی بر این که همیشه با صدای بلند نزد آقای نیازی دادستان وقت نظامی تهران خنده سر می داده حکایت از عدم تأثیر قتل‌های موضوع کیفرخواست در وجدان و ضمیر وی دارد. ۹- اقرار مشارالیه به نقش برجسته خود از حیث اشراف اطلاعاتی بر سوره های اوپوزسیون لائیک و وصل خود توسط متهم ردیف اول به متهم ردیف ۸ حضور فعال در صحنه هر چهار قتل و دادن گزارش هر قتل بلافاصله به متهم ردیف اول و نیز اعتراف به این که اگر پیش از انجام قتلها دستور توقف عملیات را می داد لا اقل در همان موقع قتلها صورت نمی گرفت به شرح اوراق دادرسی جلسه مورخ ۷۹/۱۰/۱۲ و سعی واضح او در لایحه آخرین دفاع خویش برای مرمت اثر اقراری که به ضرر خود نموده (برگ ۱۹۱۰) و اعتراف صریح به اراده و اختیار خود در اقداماتی که در راستای قتل‌های موضوع کیفرخواست انجام داده است. ۱۰- اقرار متهم ردیف ۲ در برگ ۱۷۶۸ به این که: «علت مباشرت من در دو فقره قتل مختاری و پوینده دستور شفاهی آقای موسوی بود... مرا به صادق مهدوی وصل کرد و گفت هر طوری صلاح دستور داد عمل کنید و من هم بر همین اساس اقدام نمودم در خصوص این دو مقتول آقای موسوی اسمی نبرد و آقای صادق آنها را تعیین و به من معرفی کرد و من میدانستم که آقای صادق هم از طرف آقای موسوی دستور دارد... وقتی آقای صادق به من دستور حذف مختاری و پوینده را داد طبیعی بود که جز طناب و سیله ای در اختیار ما نبود». ۱۱- متهم ردیف ۴ در برگ ۱۷۷۱ اقرار دارد که: «در اجرای دستور مسئول مافوقم (متهم ردیف ۸) که به صورت شفاهی از طریق سلسله مراتب به این جانب ابلاغ شد... مبادرت به حذف داریوش فروهر از طریق وارد آوردن ضربات کار نمودم. یقین دارم که آقای رسولی مدیر کل پشتیبانی عملیاتی - اطلاعاتی معاونت امنیت به مسئول اداره عملیات دستور داده بود ولی جزئیات بیشتر که آیا دستور آقای موسوی یا آقای وزیر وجود داشته یا نداشته را نمی دانم» و در برگ ۱۷۷۴ در پاسخ این سؤال که چه کسی به شما دستور داد پا کار بکشید؟ پاسخ داده: «آقای فلاح به من دستور داد». ۱۲- اقرار صریح متهم ردیف ۵ که ضمن بیان نحوه قتل خانم پروانه سجد اسکندری گفته: «به خاطر اجرای دستور مسئول بالاتر (یعنی متهم ردیف ۸) انجام داده ام» (برگ ۱۷۷۲) و نیز: «قبل از ورود ما به منزل فروهر متهم ردیف ۸ به ما گفته بود و دستور داده بود پا کار او را حذف کنید... انگیزه ای جز اجرای دستور مقام مافوق (یعنی متهم ردیف ۸) نداشته ام» (برگ ۱۷۷۴). ۱۳- متهم ردیف ۶ در برگ ۱۷۷۶ اقرار دارد: «بنده به متهم ردیف ۸ دستور دادم که در این عملیات حذف تحت امر آقای موسوی عمل کند... دخالت خود را در قضیه فروهر و همسرش یعنی در حد صدور دستور به مسئول اداره عملیات تحت امر خود برای اجرای دستورات آقای موسوی یا اعتقاد به این که دستور آقای بری هم پشت سر او است [این قسمت ادعای ثابت نشده می باشد] قبول دارم و انکار نمی کنم... بعد از حذف فروهر و همسرش فردا صبح آن روز متهم ردیف ۸ در محل کار شفاهاً به من گزارش



داد که دیشب فروهر و زنش را زدیم و با کار زدیم « و نیز در مقام آخرین دفاع باز اعتراف کرده « به رئیس اداره عملیات دستور داده ام در جریان حذف مقتولان با آقای موسوی همکاری کند و هر دستوری ایشان به آنها می دهد اجرا کند (برگ ۱۸۸۴) - متهم ردیف ۸ در برگ ۱۷۸۴ و ۱۷۸۵ نزد این دادگاه اقرار نموده « در قضیه حذف فروهر و همسرش من به دستور مدیر کل مافوقم آقای رسولی به آقای موسوی وصل شدم .. آقای موسوی به من گفت برای این که دسترسی به من ممکن است مشکل باشد شما برای اقدام درباره این حذفها با آقای صادق مهدوی هماهنگ کنید و هر چه ایشان گفت و هر سوژه ای که معین کرد حذف کنید ... چند روز بعد آقای صادق با من تماس گرفت و جای دیگری قرار گذاشتیم (درمیدان اختیاریه) و گفت باید فروهر حذف شود و اسمی از همسرش نیاورد بعد از گرفتن آدرس از صادق جدا شدیم و رفیقم برای شناسائی آدرس ... وقتی به صادق گزارش کردم که فروهر از منزل کم بیرون می آید به نظرم روز شنبه ۷۷/۸/۲۰ بود که آقای صادق گفت هر طور شده باید وارد منزل فروهر شوید و خودش و همسرش را با کار حذف کنید ... بعد از نیم بندی نفرت وارد منزل فروهر شده و مبادرت به حذف او و همسرش نمودند ... من به سر تیمها دستورات لازم را داده ام و در صحنه هم هر چه سر تیم بگوید افراد تیم باید عمل کنند ... از نظر کلی دستور مدیر کل خودم آقای حمید رسولی برای من مطلق بود « و در پاسخ این سؤال که آیا دستور شخص صادق مهدوی برای به فعلیت در آوردن حذف سوژه ها برای شما لازم بوده یا نه ؟ گفته است بلی دستور ایشان برای من لازم و مؤثر بوده و اگر او می گفت عملیات انجام نشود انجام نمی دادم . مجدداً سؤال شده بنابراین شما پیش از عملیات دستور شخص آقای صادق را هم برای خود لازم می داشتید؟ و متهم پاسخ مثبت داده است (همان برگها) . ۱۵ - متهم ردیف ۱۰ ضمن اقرار صریح به نقش خود در ورود به منزل آقای فروهر تحت پوشش مأمور آگاهی و بردن همسر وی به طبقه بالای ساختمان و نگهداشتن دستهای او برای بیپوش کردن مشاغلها توسط متهم ردیف ۱۵ اضافه کرده (پس از بردن همسر آقای فروهر به طبقه بالا) بعد از دقایقی آقای فلاح (متهم ردیف ۱۴) که سر تیم عملیات داخل منزل بود آمد بالا و از قول آقا صادق گفت عملیات را شروع کنید ... مشارالیه در لایحه دفاعیه خود به مهدور الدم بودن مقتولان (آقای فروهر و همسرش) اشاره داشته ولی در پاسخ سؤال دادگاه در این زمینه اظهار نموده شناختی نسبت به آنها نداشته و نمی تواند بگوید مهدور الدم بوده اند (برگ ۱۷۸۷) و نیز در برگ ۱۸۰۲ در لایحه تقدیمی به دادگاه نوشته « بعد از ظهر روز شنبه ۷۷/۸/۲۰ از سوی متهم ردیف ۸ مسئول مافوق بنده به من ابلاغ شد دستور داده شد که به مأموریت فوق به همراهی تعدادی از برادران عملیات بروم و در ادامه دستورشان اظهار داشتند که دستور از سوی مدیر کل برادر رسولی ابلاغ شده و ایشان هم از حاج آقا موسوی قائم مقام معاونت امنیت دستور دارند و ایشان هم از سوی وزیر وقت حاج آقا دری دستور دارند « ۱۶ - متهم ردیف ۱۱ ضمن قبول اتهام خود در نگهداشتن یک دست آقای فروهر هنگام بیپوش کردن وی توسط متهم ردیف ۱۵ و تشریح نحوه زن کار کردن به او از سوی متهم ردیف ۱۴ در برگ ۱۸۰۶ اقرار کرده « مسئول مستقیم من متهم ردیف ۸ بوده که دستور کلی برای انجام حذفها را او به ما داده و بعد تیم بندی شدیم و در صحنه عمل یعنی در منزل فروهر ما به دستور آقای فلاح عمل



ما سمد تعالی

داد نامه

سازمان قضائی نیروهای مسلح

دادگاه نظامی

قانون

شماره:

تعميم

صفحة :

کردیم. ضمناً متهم ردیف ۸ هم دستور را از آقای رسولی (متهم ردیف ۶) گرفته بود... آقای موسوی هم به آقای رسولی دستور داده بود. در جریان کار هم آقای صادق مهدوی برای هماهنگی بعنوان رابط آقای موسوی و ما دستوراتی را که لازم بود می داد. ۱۷- متهم ردیف ۱۲ در برگ ۱۸۰۹ اقرار نموده که در صحنه حذف خانم فروهر به دستور رئیس مستقیم خود (متهم ردیف ۸) حضور پیدا کرده ام و داخل منزل که شده ایم آقای فلاح سرتیم ما به من و متهم ردیف ۱۰ دستور داد برویم طبقه بالا که به اتفاق خانم فروهر تحت پوشش بازرسی و نقیض منزل رفتیم بالا و وقتی آقای فلاح (متهم ردیف ۱۴) هم بعد از توافقی آمد من پرسیدم شروع بکنیم یا نه فلاح گفت شروع کنید... من از پشت کردن و دهان او را گرفتم و متهم ردیف ۱۵ هم دستهایش را گرفت و متهم ردیف ۱۵ هم با گاز آغشته به مواد بیهرشی جلوی دهان و بینی او گرفت و بیهوش شد... ۱۸- متهم ردیف ۱۴ در برگ ۱۸۱۴ ضمن اقرار به اتهام خود اظهار داشته: «در این دو عملیات یعنی حذف داریوش فروهر و همسرش به عنوان سرتیم در داخل منزل بوده ام و بین کارشناسان عملیات تقسیم کار کرده و هماهنگی لازم را به وجود آوردم. البته من هم به دستور رئیس مستقیم خودم (متهم ردیف ۸) دخالت کردم... بعد از آن (یعنی تمام شدن کار فروهر) من رفتم به طبقه بالا و به آقای صفایی پور گفتم شروع کنید». ۱۹- متهم ردیف ۱۵ ضمن اقرار به گرفتن مواد بیهرش کننده جلوی دهان و بینی آقای داریوش فروهر و همسرش گفته است: «آنچه برای من مهم بود دستور رئیس مستقیم خودم (متهم ردیف ۸) بود» (برگ ۱۸۱۷). ۲۰- متهم ردیف ۱۶ با اقرار به اتهامات خود در برگ ۱۸۲۲ گفته است: «من مستقیماً دستور از آقای موسوی گرفتم. زیرمجموعه آقای حقانی (متهم ردیف ۷) بودم... از قبل به حوزه معاونت امنیت مأمور به خدمت شده بودم... و آقای حقانی در این قضیه، هیچ دستوری به من نداده است». ۲۱- متهم ردیف ۱۷ در خصوص معاونت در قتل آقای محمد جعفر پورینده به تعقیب او با موتورسیکلت و خبر دادن به صادق مهدوی به وسیله تلفن همراه یک رهگذر به منظور ربایش و اقرار دارد و تصریح کرده به دستور مستقیم صادق مهدوی همکاری کرده است و در پاسخ به این سؤال دادگاه که آیا از موسوی هم دستور گرفتید؟ گفته است «خیر فقط صادق به من دستور داده برگ ۱۸۲۴). ۲۲- متهم ردیف ۱۸ نیز در خصوص اتهام معاونت در قتل آقایان محمدعلی مختاری یشابوری و محمد جعفر پورینده در برگ ۱۸۲۷ اقرار صریح نموده و نقش خود را در رانندگی وسیله نقلیه حامل سوزنه های ربایش شده و انتقال به محل قتل و سپس انتقال جسد آنها در صندوق عقب اتومبیل تحت رانندگی خود به محلهای تخلیه اجساد توضیح داده و دستور آقای صادق مهدوی را مبنای همکاری خود دانسته است. بنا به مراتب فوق (که در ۲۲ بند مورد اشاره قرار گرفت) و نظر به این که از جانب آقایان کلای مدافع متهمان صدرالاشاره نیز دفاع مؤثری که مفید به حال موکلانشان باشد به عمل نیامده و عمده دفاع آقایان وکلا در نسبت دادن صدور دستور قتلهای موضوع کیفر خواست به آقای وزیر سابق اطلاعات است که با تأیید نظر آقای بازپرس پرونده مبنی بر منع تعقیب وی در شعبه صوم دادگاه نظامی یک تهران و این دادگاه قابل استماع نیست و اعتراضات مفصل متهم ردیف ۲ نسبت به قرار منع تعقیب مشارالیه نیز بر مبنای قنونی ندارد زیرا قرار مزبور که با تأیید دادگاه یادشده قطعی گردیده قابل اعتراض در حدود ماده

روزنامه کیهان



باسمه تعالی

داد نامه

سازمان قضائی نیروی مسلح

دادگاه نظامی

شماره: ... تاریخ: ...

صفحه: ...



مقابل کوچه منزل مقتولان به شرحی که در صورتجلسه مورخ ۷۹/۱۰/۲۹ این دادگاه در ظهر برگ ۱۹۸۲ ذکر شده امکان مراقبت و دیده بانی توسط متهمان موصوف را نیز منافی تشخیص داده و خلاصه این که عمل ارتكابی آنان قابل تطبیق بر هیچ یک از بندهای ماده ۴۲ قانون مجازات اسلامی نبوده و همچنین در باره اتهام دیگر متهم ردیف ۹ منافی بر معاونت در قتل آقای محمد جعفر پوینده نیز دفاع وی موجه بوده و هیچ دلیل محکمه پسندی بر تحقق فعلی که از مصادیق معاونت در قتل باشد از جانب مشارالیه در پرونده امر ملاحظه نمی گردد، بنابراین این دادگاه مجرمیت متهمان موصوف را احراز ننموده و در بند آتی نسبت به آنان حکم مقتضی صادر می کند.

و- قسمت حاکمه رأی و مستندات قانونی آن

- نظریه آنچه در بند بالا ذکر و استدلال شد درباره هریک از متهمان به طور علیحده ذیلاً انشای حکم میگردد.
- ۱- متهم ردیف اول آقای سید مصطفی کاظمی به جرم آمریت و صدور دستور چهار فقره قتل موضوع کیفرخواست مستنداً به ذیل ماده ۲۱۱ قانون مجازات اسلامی به چهار فقره حبس ابد محکوم است.
 - ۲- متهم ردیف دوم آقای مهرداد عالیخانی نیز به جرم آمریت و صدور دستور چهار فقره قتل موضوع کیفرخواست مستنداً به ذیل ماده ۲۱۱ قانون مجازات اسلامی به چهار فقره حبس ابد محکوم است.
 - ۳- متهم ردیف سوم آقای علی (رضا) روشنی به جرم مباشرت در قتل آقایان محمد علی مختاری نیشابوری و محمد جعفر پوینده مستنداً به صدر ماده ۵۷ قانون مجازات اسلامی (و با رد استناد معاون محترم دادستان نظامی تهران به ذیل ماده مرقوم) و بندهای ماده ۲۰۶ و صدر ماده ۲۰۷ و بندهای ۱ و ۴ ماده ۲۳۱ و صدر ماده ۲۶۴ و ماده ۲۶۵ به دو فقره قصاص نفس محکوم است که پس از استیذان از ریاست محترم قوه قضائیه به نیابت از سوی مقام معظم رهبری مدظله العالی و مشروط به تودیع پانامین سهم الذیه آقای سهراب مختاری نیشابوری (فرزند مجبور مقتول) از جانب وارث کیویوشی و شیطالب قصل یعنی آقای سیلوش مختاری نیشابوری (توجهاً به رأی وحدت رویه ۳۱ مورخ ۶۵/۸/۲۰) به مرحله اجرا گذارده شود.
 - ۴- متهم ردیف چهارم آقای محمود جعفرزاده به جرم مباشرت در قتل آقای داریوش فروهر مستنداً به مواد فوق الذکر از قانون مجازات اسلامی به یک فقره قصاص نفس محکوم است که فرزندان مقتول پس از استیذان از ریاست محترم قوه قضائیه حق اجرای حکم درباره محکوم علیه را خواهند داشت.
 - ۵- متهم ردیف پنجم آقای علی (مصطفی) محسنی به جرم مباشرت در قتل خانم پروانه مجد اسکندری مستنداً به مواد مذکور در بند ۳ بالا مضافاً به ماده ۲۰۹ قانون مجازات اسلامی محکوم است به یک فقره قصاص نفس و اولیای دم مقتوله بپردازند نصف دیه کامله به قاتل پس از استیذان از ریاست محترم قوه قضائیه حق اجرای حکم در مورد محکوم علیه را ندارند.
 - ۶- متهم ردیف ششم آقای حمید رسولی به جرم آمریت و صدور دستور در راستای اجرای دو فقره قتل آقای داریوش فروهر و خانم پروانه مجد اسکندری ضمن رد عنوان اتهامی و ماده استنادی از سوی معاون محترم دادستان نظامی تهران مستنداً به ذیل ماده ۲۱۱ قانون مجازات اسلامی به دو فقره حبس ابد محکوم است.

۱۴-۱۳-۱۲-۱۱-۱۰-۹-۸-۷-۶-۵-۴-۳-۲-۱

باسمه تعالی

داد نامه



سازمان قضائی نیروهای مسلح

شعبه

دادگاه نظامی

تاریخ

شماره:

صفحه:



بند ۲ ماده ۴۲ و صدر ماده ۷۵ و ذیل ماده ۲۰۷ قانون مجازات اسلامی به تحمل شش سال حبس تعزیری محکوم است.

۱۸- متهم ردیف هجدهم آقای خسرو برای از اتهامات سعادت در قتل آقای داریوش فروهر و خانم پروانه مجد اسکندری به لحاظ کافی نبودن دلیل اثباتی و عدم حصول قناعت وجدان در گناهکاری وی، مستنداً به اصل ۲۷ قانون اساسی تبرئه می گردد و به جرم معاونت در قتل آقایان محمدعلی مختاری نیشابوری و محمد جعفر پروینده به استناد بند ۲ و ۳ ماده ۴۲ و بخش دوم ماده ۷ و صدر ماده ۵۷ و ذیل ماده ۲۰۷ قانون مجازات اسلامی به تحمل ده سال حبس تعزیری محکوم است.

پدیدهی است مدت بازداشت قبلی آن مستند از محکومان به حبس تعزیری که در این پرونده سابقه بازداشت داشته باشند، مستنداً به تبصره ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی در مقام اجرای حکم از میزان حبس تعزیری آنان کسر و محاسبه خواهد گردید. ضمناً چون مجازات قصاص نفس و حبس ابد که حسب مورد درباره ردیفهای اول تا پنجم و ششم و هشتم و چهاردهم مورد حکم قرار گرفته از بُعد حق الناسی قضیه است و از سوی اولیای دم مقتولان نیز به قابل عفو و گذشت می باشد و فرضی که همگی اولیای دم مقتولان (بسته به جرم هر کدام از محکوم علیه مورسختن) از حق قصاص خود نسبت به قاتلان و از حبس ابد آمران و دستور دهندگان منجزاً گذشت کنند لازم است باریک پرونده امر برای اعمال ماده ۲۰۸ قانون مجازات اسلامی و تبصره آن (از حیث اخلاقی که در نظم جامعه به علت ارتکاب جرایم احراری حاصل شده است) به دادگاه فرستاده شود زیرا حکم محکمه باید منجز غیرمعلق باشد و از هم اکنون نمی توان برای فرض گذشت کلیه اولیای دم مقتولان که معلوم نیست محقق خواهد شد یا نه بر اساس ماده اخیر الذکر تعیین مجازات کرد. این رأی که درباره هر هجده نفر مارا اشاره به طور علیحده لفظاً انشاء گردید حضوری و در حدود مقررات قانون تجدیدنظر آرای دادگاهها مصوب ۱۳۷۲ ظرف بیست روز پس از ابلاغ برای اشخاصی که ساکن ایران هستند و و ماهه پس از ابلاغ برای کسانی که خارج از کشور می باشند بپردازد و هزینه دادرسی، از جانب محکوم علیه و اولیای دم مقتولان و دادستان محترم نظامی تهران (حسب مورد و با لحاظ بند ۲ ماده ۲۱ قانون مزبور) قابل تجدیدنظر خواهی است و مرجع نقض یا ابرام آن دیوان عالی محترم کشور خواهد بود. در پایان ذکر این نکته را لازم می داند که با وجود قرائنی در پرونده دایره این که آقایان سید مصطفی کاظمی و مهرداد عالیخانی با طرح و هماهنگی قبلی و ارائه تحلیلهای خاص از وضعیت اوپوزیسیون داخل کشور سعی در کشیدن پای وزیر سابق اطلاعات به موضوع قتلهای زنجره ای داشته (به طوری که آقای کاظمی در این محکمه اقرار کرده است که وی بدو در جلسه ۷۷/۸/۲۲ در منزل وزیر با حضور آقای عالی خانی پیشنهاد داده که اعضای کانون نویسندگان را می توان یکجا جمع کرد و به یکبار بست) از حیث اتهام «اجتماع و تمسک» برای ارتکاب جرایمی بر ضد امنیت داخلی کشور» موضوع ماده ۶۱۰ قانون مجازات اسلامی و صدق یا عدم صدق عنوان محاربه و افساد در زمین نیز پرونده جای بررسی و ابعان نظریه شتر دارد، ولی چون طبق نص صریح ماده یک از مواد الحاقی به قانون آیین دادرسی کیفری این محکمه خارج از اتهامات قید شده در کیفرخواست تکلیف و تیر حق رسیدگی ندارد. بنابراین موجبی برای ورود به اتهام جدید علیه نام بردگان از سوی این دادگاه نمی باشد.

۱۳۸۶-۰۵-۰۳



باسم تعالی

داد نامه



سازمان قضائی نیروهای مسلح

دادگاه نظامی

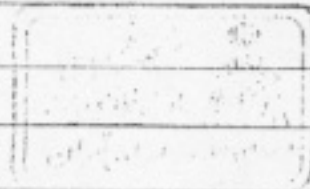
شماره: تاریخ:

صفحه:

مقرر میگردد دفتر: فوراً دادنامه ثبت و ماشین نویسی شود تا در جلسه مورخ ۷۹/۱۱/۸ به اشخاصی که در محکمه حاضر می شوند محکوم علیهم و متهمان تبرئه شده و وکلای مدافع آنها و معاون محترم دادستان نظامی تهران ابلاغ گردند و نیز ابلاغ رونوشت رأی به علولایی دم مقتولان پرونده از موجودی کسرو بانگیل برگ شماری و ممهور کردن ظهراوراق آن به مهر دادگاه، برای اقدامات قانونی بعدی به دایره اجرای احکام دادرسی نظامی تهران ارسال گردد./

رئیس شعبه پنجم دادگاه نظامی یک تهران

محمد رضا عقیقی



۷۹-۱۱-۸